

## فهم ابعاد عاطفی حیات در خانه‌های سنتی شیراز

سمیرا مجیدی<sup>۱</sup>، غلامحسین معماریان<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۳۰

### چکیده

مسکن یکی از دغدغه‌های بشری است که بسیاری از صاحب‌نظران به دنبال وجوه کیفی آن هستند. مفهوم زندگی و مفاهیم مرتبط با آن تا حد زیادی در خانه‌های امروز تغییر یافته و مسکن از جایگاهی اصلی برای تامین بخش عظیمی از نیازهای مادی و معنوی انسان به یک خوابگاه تبدیل شده است. در گذشته در معماری خانه‌های ایران مکان‌های فراوانی یافت می‌شدند که آثار روحی مثبتی را برای ساکنانشان به همراه داشتند اما این تاثیرات روحی تا به امروز بسیار کم مورد بررسی قرار گرفته است. مقاله حاضر تلاش می‌کند تا تجربه‌ی عاطفی حاصل از حیات خانه‌های سنتی شیراز را مورد بررسی قرار دهد. شناخت کالبدی مکان برآمده از رویکرد گونه‌شناسانه و گزارش‌های مفهومی ساکنان از تجربه‌ی زیسته در مکان برآمده از نگرش پدیدارشناسانه به مکان است، لذا روش تحقیق مقاله حاضر تلفیقی از این دو رویکرد است که از آن تحت عنوان "پدیده شناسی" یاد می‌کنیم. این تحقیق با بررسی کالبد خانه‌های سنتی شیراز و مصاحبه نیمه‌ساختاری از ۲۰ نفر باشنده‌ی این خانه‌ها صورت گرفته و در نهایت به کشف مفاهیمی از قبیل آرامش، شادی، صفا، شاعرانگی و آزادی در ارتباط با بعد عاطفی حیات به عنوان مکان اصلی در سازماندهی خانه‌ی یک فرد شیرازی رسیده است.

### واژه‌های کلیدی

روش گونه‌شناسی، روش پدیدارشناسی، نگرش پدیده‌شناسی، خانه‌های سنتی شیراز، ابعاد عاطفی حیات.

### پرسش‌های پژوهش

- چگونه می‌توان از خاطرات باشندگان یک خانه برای معرفی فضاهای مختلف آن خانه استفاده کرد؟
- حس‌های مشترکی که یک پدیده‌ی مشخص (حیات خانه‌های سنتی شیراز) می‌تواند در کاربران به وجود آورد تحت تاثیر چه چیزهایی است؟
- چگونه می‌توان با تلفیق دو روش گونه‌شناسی و پدیدارشناسی تاثیرات عاطفی کالبد معماری را بر کاربران آن مورد بررسی قرار داد؟

۱. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران

۲. دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

## ۱- مقدمه

جنبه‌های متفاوت از تعامل انسان با مکان زندگیش موضوع تحقیق در حوزه‌های مختلف از جمله معماری است. سکونت یکی از این تعامل است که پیوندی پرمعنا را بین انسان و محیطی مفروض برقرار می‌کند و این پیوند از تلاش برای هویت‌یافتن، یعنی به مکانی احساس تعلق داشتن ناشی گردیده است (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۱، ۱۷) و خانه به عنوان خصوصی‌ترین نوع سکونت، نقطه‌ای است ثابت که شکل محیطی مفروض را به معرض مکانی مسکون تغییر می‌دهد (همان، ۱۴۴). نگاهی گذرا به خانه‌های سنتی ایران ما را به این نتیجه می‌رساند که معماران خانه‌های سنتی ایران، این حقیقت که خانه مرکز جهان است و باید بتواند نیازهای مختلف انسان را اعم از جسمی و روحی تامین کند در سرلوحه‌ی تفکرات خود قرار داده بودند حال آنکه معماری خانه‌های امروزی به این تفکر توجهی ندارد، از این‌رو جا دارد که بیشتر به این تفکر بها داد و به اینکه چه تجربه‌ای تعامل بین مردم و محل سکونتشان را تعریف می‌کند و این تجربه، چگونه و در چه ابعادی از احساس و عاطفه رخ می‌نماید، پاسخ داد. این امر می‌تواند با مطالعه‌ی معماری خانه‌های سنتی و بررسی بار عاطفی فضاها و آن‌ها بر باشندگان صورت گیرد که در این مقاله با انتخاب خانه‌های سنتی شیراز به عنوان نمونه موردی و انتخاب حیاط به عنوان فضایی اصلی از این خانه‌ها، تلاش شده است بار عاطفی این فضا را بر باشندگان مورد بررسی قرار دهیم.

## ۲- پیشینه تحقیق

نیاز به مسکن دارای دو بعد کمی و کیفی است. شهرسازی سده بیستم بیش از آنکه معطوف به کیفیت ارتباطات باشد، متوجه کمیت ارتباطات بوده، از این‌رو پیوستگی احساسی با مکان، مورد غفلت و فراموشی قرار گرفته است (پرتوی، ۱۳۸۲، ۴۱). در این راستا محققانی تلاش کرده‌اند انسان را به این پیوستگی احساسی با مکان بازگردانند و بالمثل به تبیین یک زبان الگو برای مفهوم کلیت، پدیده زندگی، خود و ویژگی‌های بنیادین در ساختارهای زنده پرداخته‌اند و معماری را به عنوان یک فرآیند زنده در ارتباط با انسان معرفی کرده‌اند و از ارتباط بین زبان الگو و زبان فرم صحبت نموده‌اند (Alexander، ۲۰۰۴: ۳۱۴). چنین تحقیقاتی هرگز به طور صرف در قالب کالبد معماری باقی نمانده و در آن‌ها مفهوم همپای کالبد لحاظ شده است. در سطح جهانی در کنار تحقیقات افرادی چون هیلر و هانسن که در خصوص نحو فضای معماری، علی‌الخصوص خانه، صورت گرفته و روابط اجتماعی چون

یک عامل تاثیرگذار بر شکل‌گیری و سازمان‌دهی فضاهای یک خانه به حساب آمده است (معماریان، ۱۳۸۴: ۳۹۹) و نگاه گونه‌شناسانه موراتوری‌ها که البته بیشتر جنبه کالبدی-تاریخی دارد (همان، ۱۳۹)، تحقیقات دیگری را نیز می‌توان یافت که در آن‌ها "شخصیت مکان" (Seamon, 1982) لحاظ شده است و در آن‌ها به بررسی عوامل موثر بر "حس مکان" پرداخته‌اند (Steele, 1981)، (Salvestan, 2002)، (Xu, 1995)، (Norberg-Schulz, 1996)، (Cross, 2001) و در مواردی حتی معیارهایی را برای سنجش "شکل خوب شهر" مطرح می‌کنند که شامل سرزندگی، معنی، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی و عدالت است (لینچ، ۱۳۷۶). برخی دیگر محققان با تکیه بر اندیشه‌های روانشناسانی چون یونگ به تحلیل خانه به عنوان نمادی از خویشتن پرداخته‌اند (مارکوس، ۱۳۸۲: ۸۴) و برخی دیگر بر لزوم توجه طراحان محیط بر وجوه اجتماعی-فرهنگی تاکید کرده‌اند (Groat & Wang, 2002)، (Rapaport, 1990).

در ایران نیز همزمان با اندیشه‌های جهانی در زمینه‌ی گونه‌شناسی مسکن البته با کمی تاخیر، برای مسکن بومی ایران گونه‌های خاصی ارائه شده که در قالب کلی درونگرا و برونگرا قابل ذکرند (معماریان، ۱۳۷۶، ۵). در مواردی نیز دامنه‌ی چنین تحقیقاتی تا طرح‌های تحقیقاتی سازمان‌هایی چون وزارت مسکن و شهرسازی کشیده شده که در آن‌ها اصول معماری خانه‌های سنتی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و تلاش شده است تا این اصول را برای طراحی مسکن به کار بست.<sup>۱</sup> با رسیدن به دهه‌های اخیر محققانی نیز تلاش کردند با تکیه بر تجربیات باشندگان نمونه‌هایی از خانه‌های سنتی ایران و اندیشه‌های بزرگانی چون هایدگر به جزفضاهای خانه‌های سنتی ایران نگاهی پدیدارشناسانه داشته باشند (صدوقی، ۱۳۹۰: ۲۱۰)، اما تا به امروز تحقیقات بسیار کمی در رابطه با خانه‌های سنتی شیراز صورت گرفته است که از چشم‌گیرترین آن‌ها می‌توان اشاره کرد به بررسی گونه‌شناسانه خانه‌های درونگرای شیراز (معماریان، ۱۳۷۵)، معرفی پراکنده نمونه‌موردی‌هایی از خانه‌های سنتی شیراز در سایت‌های اینترنتی، بررسی طبیعت و فرهنگ در خانه‌های ایران و ارائه چند نمونه موردی از خانه‌های شیراز (حائری مازندرانی، ۱۳۸۴)، گزارش‌هایی از تخریب و در معرض خطر بودن بافت تاریخی شیراز<sup>۲</sup> و در برخی کنفرانس‌ها به بررسی اصول معماری پایدار در خانه‌های بومی شیراز پرداخته شده است. آنچه در ادامه‌ی این تحقیقات در زمینه‌ی مسکن ایرانی (نمونه موردی خانه‌ی

تجربه‌ی زیسته کمک می‌کند و پدیدارشناسی به ما در پل زدن بین تجربه‌ی زیسته و گزارش‌های مفهومی از این تجربه کمک می‌کند. (نمودار ۱)

گونه‌شناسی را نباید فقط در گرو نگاه شکلی به معماری دانست و تجربه‌های فضایی را از آن حذف نمود. برای مثال می‌توان از خانه‌های سنتی شیراز و یزد نام برد که هر دو آن‌ها در گروه خانه‌های داراری حیاط مرکزی قرار می‌گیرند و در هر دوی این خانه‌ها همانند دیگر خانه‌های سنتی حیاط‌دار ایران، حیاط از اندام‌های مهم و اصلی خانه است، اما تجربه‌های متفاوت در این دو فضا گونه‌های متفاوتی از سازمان‌دهی ارتباطی فضاها با حیاط مرکزی را پیش روی ما قرار می‌دهد. از این‌رو در این مقاله با فرض گونه به عنوان یک "چیز" یا "پدیده"، به جای استفاده از واژه "گونه‌شناسی" از واژه "پدیده‌شناسی" استفاده شده است و این‌گونه تلاش شده است تا بعد مفهومی پدیدارشناسی را به تعریف ارایه شده برای گونه‌شناسی که تنها بعد کمی دارد اضافه کرد.

شیرازی) می‌توان انجام داد، برقراری ارتباط بین دو بحث کالبد و مفهوم است. ادعای این مقاله آن است که گونه‌شناسی و پدیدارشناسی دو روش مجزا نیستند که تنها از طریق یکی از آن‌ها بتوان به حقیقت معماری سنتی رسید. معمار سنتی خالق یک کالبد بوده که باشنده‌ی بنا از آن مفهومی را برداشت می‌کند؛ با شناخت کالبد خلق شده توسط معمار سنتی از طریق گونه‌شناسی و مفهوم برداشت شده از جانب باشنده‌ی بنا از طریق پدیدارشناسی، می‌توان این ارتباط را برقرار نمود و این‌گونه، هم به مسکن نگاهی کیفی داشت و هم نگاهی کمی.

### ۳- روش تحقیق

رویکرد پدیده‌شناسی نامی است که این مقاله برای روش تلفیقی‌ای از پدیدارشناسی و گونه‌شناسی در نظر گرفته است. معمار، مکان را در قالب کالبد طراحی می‌کند که بودن در این مکان با خود یک تجربه‌ی زیسته به همراه دارد و باشندگان به ارائه‌ی گزارش‌های مفهومی از این تجربه‌ی زیسته می‌پردازند. گونه‌شناسی به ما در پل زدن بین کالبد و



نمودار ۱- جایگاه رویکرد گونه‌شناسی، پدیدارشناسی و پدیده‌شناسی در شناخت مکان

نیز مصاحبه‌شوندگان در دیگر شهرهای ایران ساکن بودند اما تجربه‌ی زندگی در خانه‌های سنتی شیراز را داشتند. بنابر ماهیت روش‌های کیفی، به هیچ عنوان محیط تحقیق به سلیقه‌ی محقق تغییر داده نشده یا اصلاح نگردیده است. از

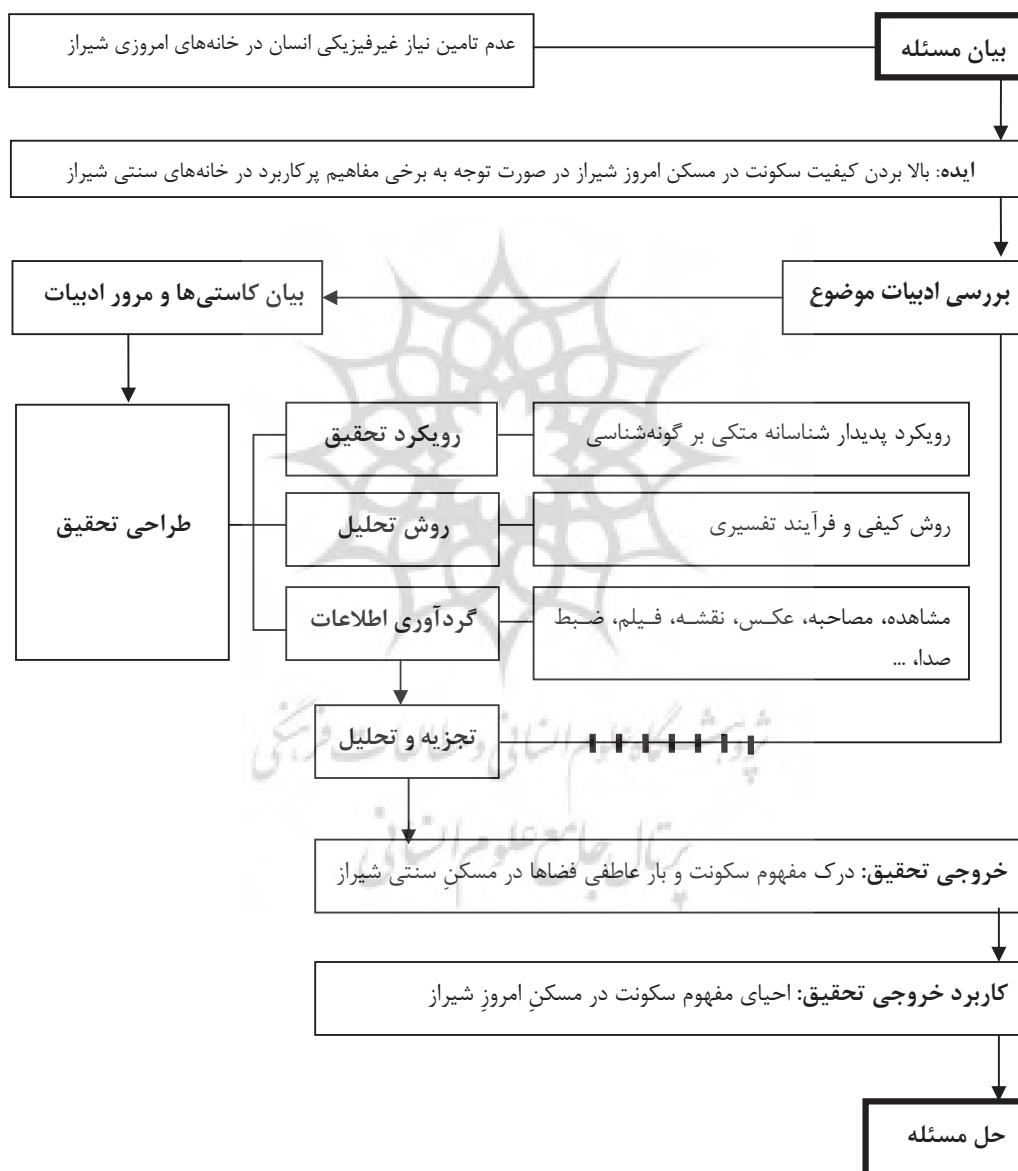
### ۳- مراحل تحقیق

مراحل انجام تحقیق بعد از تبیین مسئله با کار میدانی در شهر شیراز ادامه یافت. از آنجا که در این تحقیق خاطرات باشندگان ملاک است و نه تجربیات لحظه‌ای آن‌ها، گاهی

مصاحبه‌ی مجدد از آن‌ها برای بررسی تطابق بین برداشت محقق و بیانیه‌ی شرکت‌کننده‌ها صورت می‌گیرد (صدوقی و معاریان، ۱۳۸۹: ۱۳۱). در این تحقیق این امر در برخی موارد با مصاحبه‌ی تلفنی با شرکت‌کنندگان انجام شد و از برخی به صورت حضوری و برخی دیگر به صورت کتبی، نظرخواهی مجدد شد. میزان درستی و صحت یافته‌ها به موازات دریافت نظر از مصاحبه‌شوندگان با نظارت اساتید مشاور و راهنما در جلسات متعدد کنترل و اعتمادسنجی شد.

این‌رو در این تحقیق گروه کنترل و نظارت وجود ندارد. از آنجا که قرار است اتفاقات و رفتارها در بستر زندگی هر روزه بررسی شوند، داده‌ها ضمن مصاحبه رو در رو با مردم و مشاهده وضعیت کلی محیط ثبت شدند. مراحل کلی انجام تحقیق را می‌توان در نمودار ۲ مشاهده کرد.

به طور کلی اعتبار درونی و بیرونی که برای تحقیقات کمی مورد نظر است در تحقیقات کیفی به قابلیت اعتماد و انتقال بدل می‌شود که این اعتماد به طرق مختلفی از قبیل بازگشت نزد مصاحبه‌شوندگان بعد از فرموله کردن مفاهیم و



نمودار ۲- مراحل کلی انجام تحقیق

پدیده‌ها وارد شد و چگونگی پدیدار شدن آن را بر انسان مورد بررسی قرار داد. هیچ دو انسانی کاملاً شبیه یکدیگر نیستند تا یک پدیده به صورت واحد بر هر دوی آن‌ها نمودار

۴- دلایل انتخاب نمونه‌موردی در تحقیق حاضر  
با پذیرفتن معماری به عنوان پدیده‌ای در ارتباط با انسان، بهتر است برای شناخت آن از راه‌های شناخت

تعداد مصاحبه‌شوندگان در هر روز بین ۱ تا ۴ متغیر بود و این مصاحبه‌ها در همان روز با مشاهدات محقق ثبت می‌شدند و پرسش‌های احتمالی با هدف روشن‌تر شدن بیان مصاحبه‌شونده، مطرح می‌گردیدند. مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه یافت که پدیده‌های مشترک بروز کردند و گفته‌های شرکت‌کنندگان تکراری شدند و در مجموع ۲۰ نفر در این تحقیق شرکت کردند که جدا از مکان سکونت فعلی آن‌ها، همگی در دوره‌ای از زندگی‌شان دارای تجربه‌ی زندگی کردن در خانه‌های سنتی شیراز بودند.

#### ۶- یافته‌های تحقیق

پس از پیاده‌کردن متن مصاحبه‌ها - که به صورت محاوره‌ای بودند - بیانات شاخص بیرون کشیده و فرموله شدند که نمونه‌ای از این بیانات در جدول شماره ۱ آورده شده است. در این مرحله هر مصاحبه بیش از ۳ بار و تمام مصاحبه‌ها در کنار هم بیش از ۱۰ بار مورد بررسی قرار گرفتند تا نهایتاً به بیش از ۲۰۰ کلمه‌ی کلیدی در ارتباط با خانه‌های سنتی شیراز رسیدیم که در بیانات مصاحبه‌شوندگان تکرار می‌خوردند. پژوهش حاضر حیات را پدیده‌ای غیر قابل حذف از خاطرات تمام باشندگان می‌داند و به معرفی عناصر کالبدی و تاثیرات روانی آن بر ساکنان خانه‌های سنتی شیراز می‌پردازد که درونمایه‌های اصلی و فرعی این تاثیرات در جدول شماره ۲ آورده شده است.

شود؛ اما زمینه‌ی زندگی افراد بر شباهت‌های فکری، اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و ... آن‌ها تاثیر می‌گذارد و با بررسی این شباهت‌ها می‌توان به یک شناخت تقریباً فراگیر در رابطه با معماری رسید، شناختی که از نگاه خود باشندگان بلند می‌شود. برای این که بتوان به زمینه‌ی تاثیرگذار مطرح شده دست یافت و این گونه به تعاریف و شناخت واحدی رسید، به انتخاب یک نمونه موردی پرداختیم تا با زمینه‌ی کنترل‌شده‌تر روبرو باشیم. در این نمونه موردی خانه‌ی سنتی شیرازی کالبدی است با ویژگی‌های خاص خود که دارای سه نوع خانه‌های بدون ارسی با یک حیاط، خانه‌های ارسی‌دار (با سه یا پنج فضا در جبهه شمالی) و خانه‌هایی با چند حیاط است (معماریان، ۱۳۷۵، ۱۶۴) و باشندگی چنین خانه‌ای فردی است ایرانی - اسلامی که اعتقادش حتی بر سردر خانه‌اش دیده می‌شود.

#### ۵. جامعه پژوهش

تجربیات افراد در حیاط طی چندین روز مصاحبه‌ی زنده‌ی نیمه ساختاری، در چند ماه مختلف با بودن در فضاهای خانه‌های قدیمی شیراز یا متوسل شدن به خاطرات مصاحبه‌شوندگان صورت گرفت. هرگز به طور مستقیم از مصاحبه‌شوندگان خواسته نشد تا از خاطرات خود در رابطه با حیاط بگویند بلکه همه‌ی مصاحبه‌ها با این سوال آغاز شدند که از خانه شیرازتان بگویید و تمام مصاحبه‌شوندگان بلااستثنا ضمن صحبت‌هایشان از حیاط حرف زدند و احساسات خود را بازگو کردند.

جدول ۱: نمونه‌هایی از بیانات شاخص مصاحبه‌شوندگان در مورد حیاط و معانی مدون آن‌ها (ماخذ: نگارندگان)

بیانات شاخص مصاحبه‌شوندگان	معانی مدون بیانات مصاحبه‌شوندگان
بازم فضاش به من همون حس آرامش داد، دقت کردی مردمش یه آرامش دیگه‌ای دارن؟ (۸)	احساس آرامش خود را متعلق به فضا می‌داند و از نگاه او به خاطر نوع خاص فضاست که مردم آرامش دارند. صفت آرامش را که می‌تواند صفتی برای انسان باشد به محیط، مکان (حیاط) نسبت داده است.
حیاطش آرومه (۱۲)	آرامش را در کنار توان فضا برای داشتن یا نداشتن فضای خلوت می‌دانند و با استفاده از واژه "خونه قدیمیا" نا خودآگاه خانه‌های دیروز را با خانه‌های امروز مقایسه می‌کنند.
شباش آروم بود و خلوت خوبی داشت (۲) تو خونه قدیمیا جایی واسه خلوت کردن داری. این همه آرامش فقط تو همون خونه قدیمیا پیدا میشه (۱۰)	برای آرامش یک بعد روحی هم در نظر می‌گیرد که آن را در گرو عوامل کالبدی - طبیعی می‌داند.
بلبل و قناری و مرغ مینا و زاغی‌ها و قمری‌ها مشغول چه‌چاند که به روح انسان آرامش می‌بخشد. (۱۰)	در این سخنان این نظریه که درگیریِ خاطرات ساکنان با حیاط تنها دلیل برای وجود آرامش افراد است، رد شده است.
اولش فکر می‌کردم به خاطر اینه که کودکیم رو اونجا گذروندم اما این چند روز که با تو به این خونه‌ها اومدم بازم فضاش همون حس آرامش به من داد(۸). آرامش اینجور حیاط فقط مال گذشته نیست، الانم میشه توش آروم بود (۱۴)	

جدول ۲: درونمایه‌های اصلی و فرعی به دست آمده از تحقیق در رابطه با حیاط خانه‌های سنتی شیراز (ماخذ: نگارندگان)

درونمایه‌های اصلی	درونمایه‌های فرعی
آرامش	آرامش جسمی، امنیت، حفاظت، در پناه بودن، مالکیت و تثبیت موقعیت خود در مکانی مشخص، حریم و حرمت‌ها، آسایش و مطابقت با شرایط اقلیمی، آرامش روحی، ثبات شرایط مطلوب، خلوت
شادی	خوشی، فراغت روحی و کاری
صفا	صمیمیت، محبت، مهربانی
شاعرانگی	درگیری حواس با فضا، احساس و عاطفه، حواس پنجگانه
آزادی	رهایی، دل‌باز و بزرگ بودن، قفس نبودن، وجود فضای زیاد و کافی، تنوع حرکتی

#### ۶-۱- عناصر کالبدی حیاط خانه‌های سنتی شیراز

مشاهدات محقق و بررسی‌های کالبدی نمونه‌موردی‌ها بیانگر آن است که حیاط عنصری مهم در سازمان‌دهی فضایی یک خانه‌ی شیرازی است. اولین فضایی است که به هنگام وارد شدن به خانه با آن روبرو می‌شویم. دارای هندسه‌ی منظم است و فضاهای خانه در یک یا چند جبهه از آن شکل می‌گیرند. تعداد حیاط‌ها از ۱ تا ۳ حیاط بوده که به صورت‌های مختلفی با هم در ارتباطند.

حیاط خانه شیرازی، اتاقی است بدون سقف با بدنه‌های مشخص، کفی آراسته از درخت و خاک و آب. حوض‌های پر آب با ابعاد و شکل موزون و متناسب با سطح حیاط و در مرکز ثقل آن شکل می‌گیرند که متداول‌ترین طرح آن‌ها چهارگوش بوده و گاهی اشکال دایره، لوزی و در مواردی نیز فرم‌های ترکیبی مانند T نیز در طرح حوض‌ها دیده می‌شود. اطراف هر حوض به نحوی طراحی شده است که امکان استفاده از آب برای شست و شو فراهم شود، همچنین آب سرریز شده به داخل باغچه‌های اطراف حوض هدایت می‌شود و قطره‌ای از آن هدر نمی‌رود و غالباً سرشیرهای سنگی در کنار آن‌ها قرار دارد (۳) و ماهی‌های سرخ در آب شناورند (۲) و در اطراف این حوض‌ها گل یاس و نسترن کاشته‌اند که سایه‌گستر حوض‌هاست (۱۰).

به همراه تبخیر تدریجی آب از سطح حوض، فضای داخل حیاط و خانه از رطوبت برخوردار می‌شود. حوض‌ها معمولاً عمود بر محور طولی خانه‌ها قرار دارند و در اطراف هر حوض و عمود بر آن، معمولاً به صورت متقارن باغچه‌ها قرار دارند (معماریان، ۱۳۷۵، ۱۶۱)؛ که پرند از درخت‌های همیشه‌سبز چون نارنج، پرتقال، نارنگی و گاهی نیز درخت‌های نخل، سرو و چنار (۱۰). حاشیه‌ی باغچه‌ها را گل می‌کارند و پرندها همیشه در حال خواندن به روح انسان آرامش می‌بخشند (۱۲). رویت این گیاه‌ها و درخت‌ها از درون تمامی پنجره‌هایی که رو به حیاط باز می‌شوند میسر است و آدمی می‌تواند رشد و نمو گیاهان را در هر فصل

نظاره‌گر باشد (۱). به گفته‌ی اهالی شیراز حیاط کمتر خانه‌ای بود که در آن حوض و باغچه برای گلکاری وجود نداشته باشد (۱۰).

بدنه‌های حیاط کاملاً تعریف شده‌اند. جبهه‌های حیاط را جبهه‌های بنا و فضاهای بسته و نیمه‌باز تشکیل می‌دهند و در سمت‌هایی که بنا وجود ندارد، دیوار نقش فعال در تعریف حیاط ایفا می‌کند. ارتفاع دیوار به اندازه‌ای است که حس در بر گرفتگی را در حیاط ایجاد می‌کند که در مواردی با برخورداری از جلوه‌های معمارانه در آجرچینی و تاق‌نماها (۸) بدنه‌ی حیاط را کامل می‌کند. در اطراف دیوارهای حیاط، پیچک‌های امین‌الدوله و افشارطلابی و یاسمن و خوشه‌های انگور بر داربست‌ها بدان جلوه‌ای خاص می‌بخشد (۱۰).

تقریباً همه‌ی راه‌پله‌ها، اتاق‌ها، زیرزمین‌ها و ... به حیاط متصل هستند و متقابلاً حیاط نیز چشم‌انداز طراحی شده و آراسته‌ای است برای تمام اتاق‌ها و فضاهای خرد و کلان خانه. بدین ترتیب در اغلب فصول سال و اغلب ساعت‌های روز و شب، حیاط خانه‌ی شیرازی قابل استفاده است و این استفاده حد و مرز ندارد و کاملاً قابل توسعه و افزایش است. از نشستن بر روی تخت، مهتابی<sup>۳</sup>، کف حیاط، قدم زدن، معاشرت با دیگران، خوابیدن، آفتاب گرفتن، غذا پختن، کار کردن و ... گرفته تا تبدیل شدن به یک نهاد اعتقادی برای مراسم مختلف اسلامی - ایرانی از قبیل مراسم محرم و چهارشنبه‌سوری.

در برخی خانه‌های بررسی شده در مطالعات میدانی با بیش از یک حیاط مواجه شدیم؛ معمولاً یک حیاط بزرگ و یک یا چند حیاط کوچک که یکی از آن‌ها در اختیار قلمرو عمومی است و بقیه به قلمرو خصوصی یا بخش‌های خدماتی مانند حریم خدمه و آشپزخانه تخصیص داده شده‌اند. در اصطلاح رایج حیاط بزرگ‌تر و خصوصی‌تر را اندرونی و حیاط کوچک‌تر که به قلمرو عمومی اختصاص دارد بیرونی می‌گویند. حیاط بیرونی با ارتباط مستقیم با هشتی یا دالان

آرامش مکانی آن، هرگز در زمانی ناآرام تعریف نمی‌شود و همواره این زمان آرام است که مکان آرام را به همراه دارد و از نگاهی دیگر بالعکس. با این تعریف، شاید بهتر باشد بگوئیم آرامش فرآیندی مکان- زمانی است که بصورت آسایش، امنیت و ترکیب این دو خود را نشان می‌دهد. یک نمونه بسیار عالی از این فرآیند در خانه‌های قدیمی شیراز، آرامش شب و خلوت خوب بر روی بام یا در حیاط به هنگام خواب است: "وقتی تو حیاط یا رو بوم می‌خوابیدیم، ستاره‌ها رو می‌شد دید و باد میومد، خیلی خوب بود. شباش آرام بود و خلوت خوبی داشت(۲)". در این بیانیه از شب به‌عنوان زمان آرام و از حیاط به‌عنوان مکان آرام یاد شده است که در مجموع باعث القای حس آرامش به کاربر شده است. تعبیری که از بیانات مصاحبه‌شوندگان به دست آمد آسایش، امنیت و خلوت بود.

#### ۶-۲-۱- آسایش

بارزترین مشخصه محیطی برای فرد، سطح آسایش است. در محیط طراحی شده، آسایش کیفیتی نظری است که سهولت فیزیکی انجام‌دادن وظایف و یا بودن در مکانی خاص را فراهم می‌سازد. بسیاری از جنبه‌های آسایش، بر اساس تناسب داشتن محیط و تجهیزات آن با نیازهای حسی و فیزیکی شکل می‌یابند.

در خانه‌های قدیمی شیراز نیز همواره تلاش می‌شده تا شرایط دمایی ساکنان مناسب باشد. در این خانه‌ها نیز مانند دیگر خانه‌های بومی و درون‌گرای ایران تلاش شده است تا با خلق خرد اقلیم‌های کنترل‌شده (حیاط‌های مرکزی) و به کنترل در آوردن نیروهای طبیعی به این نیاز پاسخ گفت: "هر خونه حداقل یک حوض داشت که حیاط خنک می‌کرد(۵)". "گاهی تو حیاط آفتاب می‌گرفتیم(۴)". "زیر کولر انگار تن آدم خشک می‌شه ولی هوای آزاد اینجوری نیست(۱۲)". "تابستونا باید کف اتاقا و زیر فرش و کف حیاط آبپاشی می‌کردیم تا خنک شه(۲)". حتی اگر تامین این نیاز بسیار سخت بود، آسایش آنقدر نیاز حیاتی‌ای به حساب می‌آمد که نمی‌شد از آن چشم‌پوشی کرد: "زمستونا وسایل گرم‌کننده یکم سخت بود. چوب آتیش می‌کردن هیزم درست می‌کردن واسه کرسی از خاکه زغال استفاده می‌کردن(۲)".

#### ۶-۲-۲- امنیت

نگاه اکثر انسان‌ها به امنیت مانند نگاه اجداد خود به این واژه است. امنیت برای انسان با واژه "حفاظت" همراه است، کسی یا چیزی که بتواند او را از خطرات محفوظ بدارد.

ورودی و اتاق‌های پیرامون آن، برای پذیرایی میهمانان و اهل بیرون کاربرد داشته است. ارتباط اندرونی و بیرونی در این خانه‌ها به شیوه‌ای است که در صورت نیاز می‌توان این دو فضا را در هم ادغام نمود و توان فضایی خانه را برای مراسم مختلف افزایش داد.

در مواردی نیز بین دو حیاط همسایه دری یا دریچه‌ای قرار دارد که از طریق آن می‌توان لوازم ضروری را ردوبدل و با هم سلام‌علیک کرد و اینگونه ارتباطات همسایگی را قوی‌تر نمود: "توی کفش‌کن بعد از ورودی، بین خونه ما و خونه همسایه یه دریچه بود که از اون جا با هم سلام‌علیک می‌کردیم و ارتباط داشتیم(۲)". "اینجا قبلا بین دو تا حیاط همسایه در بوده که دو تا حیاط به هم راه داشتند(۴)".

همان‌طور که در صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان اشاره شد، عناصر یاد شده را هرگز نمی‌توان از حیاط خانه‌های سنتی شیراز حذف نمود که در ادامه بار عاطفی این عناصر بر باشندگان مورد بررسی قرار گرفته است.

#### ۶-۲-۲- احساس آرامش

**آرامش جسمی** به دنبال عدم دخالت نیروهای مخل به وجود می‌آید. در وهله‌ی اول باشندگان از لحاظ جسمی به واژه‌ی آرامش نگاه می‌کنند. آن‌ها آرامش خود را در یافتن سرپناهی می‌دانند که در آن نوعی مرز را برای خود تعریف کرده باشند تا بتوانند از آسیب‌های بیرونی در امان باشند؛ "همینکه از در خونت می‌ای تو، احساس می‌کنی خطر کمتری تهدیدت می‌کنه، دیگه جات امنه(۱۴)". در مرحله بعد عمیق‌شدن واژه‌ی "مالکیت" و نهادینه‌شدن آن در آدمی، او را بر آن می‌دارد تا حدودمرزها را، حریم‌ها را بیش‌تر کند؛ موقعیت خود را در مکانی خاص به تثبیت برساند و بصورت دائم در آن جا سکنی گزیند؛ "خیالت راحت‌ه که خونه خودته... صابخونه نمیاد بالا سرت(۵)". این حریم‌ها گاهی فقط چهار دیوار بود و یک سقف که قوانین اجازه‌ی عبور هر غریبه‌ای را از آن‌ها نمی‌داد. اما رفته‌رفته هاله‌های شخصی و قوانین شخصی مطرح می‌شود، بحث حرمت‌ها به میان آید که **آرامش روحی** را می‌توان محصولی از نشکستن همین حرمت‌ها دانست. "شده یک اتاق باشه، مهم اینه که مال خودته. چاردیواری اختیاری ... بعضی وقتا تو یک خونه چندتا خانواده زندگی می‌کردن، همه کنار هم آرام بودیم، حرمت هم داشتیم(۱۷)".

هنگامی که از مسکن در یکی از درجات فضای معماری بحث می‌شود، به آن جنبه‌ی ملموس‌تر و حسی‌تر داده‌شده و آن را یک شیء کاملاً احساسی و ادراکی تعریف می‌کنیم که

می‌شنیدی صدای بچه‌ها بود که اونم آبادیه(۲). " بعضی افراد به این واژه نگاه کالبدی داشتند و در صحبت‌هاشان جاهای دنج موجود در خانه‌های سنتی شیراز را مثال زده‌اند: "بچه بودم و بازیابی که می‌کردیم و هرگز فراموش نمی‌کنم، تاقای توی کوچه‌ها، جاهای دنجی که قایم می‌شدیم، شبا که رو بام می‌خوابیدیم...خونه قدیمیا یه آرامش و خلوت خاصی داشتن... (۸)"

#### ۳-۶. شادی

آثار هیجانی اغلب مصاحبه‌شوندگان در رابطه با حیاط مثبت بود و احساساتی نظیر دوست‌داشتن مکان، خوب بودن - ولو با درجات مختلف- مشاهده شد، در مجموع می‌توان گفت که حیاط مکان دوست‌داشتنی‌ای است که اغلب شرکت‌کنندگان شادی خود را از داشتن یا امید به داشتن چنین مکانی در خانه خود نشان دادند. آن‌ها که امروزه در خانه‌های سنتی زندگی می‌کردند با گفتن جملاتی مانند: "مگه می‌شه خونه حیاط نداشته باشه (۱۳)، خونه بی حیاط مئه قفسه (۱۴)، خدا رو شکر خونه ما حیاط داره، هوا داره (۴) و باد میومد تو اتاقا. حیاطا بزرگ بود. سروصدا خیلی نبود. اگه هم صدایی می‌شنیدی صدای بچه‌ها بود که اونم آبادیه (۲) و ... " رضایت و شادی خود را نشان دادند و آن‌ها که در حال حاضر از زندگی کردن در خانه‌هایی که حیاط ندارد محروم بودند با آه‌های بلندی که می‌کشیدند و نشانه‌ی غیبه‌خوردن به زندگی گذشته بود نشان دادند که دوست دارند خانه‌های امروزشان حیاط داشته باشد: "...آخ، یادش به خیر، خونه قدیمیمون حیاط داشت، یه حیاط بزرگ، خیلی خوب بود، دوشش داشتیم (۲)"

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که در چه مواردی از احساس شادی و خوشی به طور مستقیم در صحبت‌های شرکت‌کنندگان استفاده شده است و هر کدام دلایل شادی را در چه چیزی می‌دیدند.

اینکه فرد خود را در خطر تهدید نیروهای مخل ببیند بیانگر این است که او احساس عدم امنیت می‌کند و این عدم امنیت حسی از ترس را برای او به وجود می‌آورد: "در شیراز گذشته امنیت خیلی خوب بود اما حالا امنیت اصلا نیست به خصوص محله ما. معتاد هست. قاچاقچی هست. قبلا صبح، ظهر، شب می‌رفتیم مسجد اما من الان می‌ترسم از خونه برم بیرون(۵)" در این بیانیه از مفسدان اجتماعی به عنوان عوامل مخل امنیت یاد شده است. بعضی مصاحبه‌شوندگان وسایل نقلیه‌ای چون ماشین و موتور را عاملی برای عدم وجود امنیت می‌دانستند(۴).

امنیت روانی برای انسان در گرو ثبات شرایط مطلوب است. ثابت نگه‌داشتن شرایط مطلوب و القای چنین حسی که خطری فرد را در جهت از دست دادن آنچه که مطلوب و خواهان او است تهدید نمی‌کند با خود امنیت روانی به همراه دارد. "وقتی تو حیاطی نمی‌ترسی از اینکه اتفاقی بیفته و آرامشت بهم بخوره(۱۲)" این شرکت‌کننده در ادامه که از او پرسیده شد "چه اتفاقی ممکنه آرامشت بهم بزنه؟" چنین پاسخ داد: "چمی‌دونم، مثلا اینکه یکی ببیندت، یا از دیوار خونت بپره تو حیاط. حیاط مال خودته، همسایه طبقه بالایی نداری که بیاد بگه چرا اینجا نشسی یا همش بترسی که نکنه غریبه بیاد تو ... میدونی چیه فکرت راحت (۱۲)"

۳-۲-۶. خلوت: در بسیاری از مصاحبه‌ها واژه آرامش و خلوت در کنار یکدیگر آورده شده است: "... تو خونه‌های قدیمی جایی برای خلوت کردن داری، می‌تونی تو حیاطش تخت بزنی و ساعت‌ها از اون چیزایی که می‌بینی لذت ببری. این همه رنگ و زیبایی و آرامش و خاکی‌بودن فقط تو همون خونه قدیمیا پیدا می‌شه(۱۰)". بعضی افراد به واژه خلوت نگاه فیزیکی داشتند مانند نبودن صداهای مزاحم و آزاردهنده در محلات مسکونی قدیم: "باد میومد تو اتاقا. حیاطا بزرگ بود. سروصدا خیلی نبود. اگه هم صدایی

جدول ۳: نمونه‌هایی از بیانات مصاحبه‌شوندگان در ارتباط با احساس شادی در خانه‌های سنتی شیراز (ماخذ: نگارندگان)

عوامل موثر بر شادی	بیانات شرکت‌کنندگان
شاد بودن بچه‌ها و وجود فضای بازی برای آن‌ها	بچه‌ها تو حیاط بازی می‌کردن و شادی می‌کردن و تو کوچه نمی‌رفتن، شاد بودن و ما هم به شادیشون شاد بودیم(۴). با بچه‌های همسایه‌ها تو حیاط بیرونی، دختر و پسر با هم هفت سنگ، قطوربازی، تپله‌بازی، گردوبازی می‌کردیم. شاد بودیم. ما دخترا تو کوچه نمی‌رفتیم، همش تو حیاط بودیم (۲).
عوامل طبیعی (سبزی‌نگی و طبیعت زیبا، هوای خوب، بوی خوب، صدای پرندوها، نزولات جوی و ...)	از بهار شیراز نگو ... وای بوی بهار نارنجش مستت میکنه. صدای پرندوها رو می‌شنیدی و حتی اینکه مردم شاد بودن و تو کوچه آواز می‌خوندن(۲) وقتایی که برف میومد مردم خیلی خوشحال بودن، برف و شیره و برف و رب انار می‌خوردیم(۱۵).
دورهم جمع‌شدن آشنایان	توی حیاط جلوی اتاق خور برای خواب شبای تابستون تخت می‌زدیم. دورهم جمع شدنا خیلی خوب



بود، وسط حیات تابستونا دورهم جمع می‌شدیم همه‌جا رو آبپاشی می‌کردیم و زمستونا هم آفتاب می‌گرفتیم، تنمون حال میومد. گوشه حیات بریزه می‌داشتن و هرروز یکی نون می‌پخت. گاهی مردا و زنا قاطی بودن، مردا نی می‌زدن و می‌خوندن و زنها دست می‌زدن. خوش بودیم. (۲)	(خانواده‌ها، همسایه‌ها، دوستان)
شیراز قدیم ده ارژن داشت، فلکه‌گاز داشت که گندمکاری بود و مردم واسه تفریح می‌رفتن اونجا، شادی می‌کردن و خوش می‌گذروندن (۴). مردم سوم عید و اولین شنبه سال و سیزده‌به‌در واسه تفریح میرفتن بیرون. به تاب بستن عقیده داشتند و همه با هم غذا می‌خوردیم (۴). باغچه، حوض آب، درخت نارنج، مرغدونی، قدیمیا از حیاطشون استفاده می‌کردن تا استراحت کنن، واسه خودشون یه جای تفریحی تو خونشون درست می‌کردن (۱).	رفتن به دل طبیعت و تفریح کردن (فراغت کاری و روحی)

به همین روحیه بر می‌گردد و به باروری این روحیه کمک می‌کند: "فضای حوضخانه و حیات به‌گونه‌ای است که با روحیات شعر و شاعری شیرازی‌ها جور می‌ومده... فضا فضای شاعر پروره. شاعرا هم شعرها رو بر اساس چیزیه که می‌دیدند می‌سرودند، شیراز و این خونه‌ها حسی به آدم میدن که شاعر هم نباشی یه جوریه شاعر میشی. (۱)" "زیرزمینی و سردابه‌ها اغلب برای خواب و استراحت تابستانه بود و خنکای هوایش هواخور احساس بود (۱۰)". آنچه که از این سخنان مشخص است، درگیری فضاهای خانه با حواس ساکنان آن است.

واژه‌ی حس<sup>۴</sup> سه معنای اصلی دارد: نخست یکی از حواس پنجگانه؛ دوم احساس و عاطفه و محبت<sup>۵</sup> که در روان‌شناسی به درک تصویر ذهنی گفته می‌شود، یعنی قضاوتی که بعد از ادراک معنای شی نسبت به خود شی در فرد به‌وجود می‌آید که می‌تواند خوب، جذاب یا بد باشد؛ سوم توانایی در قضاوت درباره‌ی یک چیز انتزاعی، مثل معنای حس در اصطلاح حسّ جهت‌یابی که به مفهوم توانایی یک فرد در پیدا کردن مسیر یا توانایی مسیر در نشان دادن خود به انسان است (فلاح، ۱۳۸۵، ۶۰).

منظور از واژه‌ی حس در این تحقیق دو معنای اول و دوم است که در مورد اول باید گفت حواس پنجگانه در تمام انسان‌ها مشترک است و آن‌جا که پای بُعد ملموس و عینی معماری به میان می‌آید گریز از آن امکان‌پذیر نیست (جدول ۴). در مورد دوم باید گفت عاطفه و حسّ خاصّ باشندگان در ارتباط با مکان‌های مختلف متفاوت است؛ به بیانی: "مکان‌ها در افراد مختلف حس‌های متفاوتی ایجاد می‌کنند و نقش شخصیت و تجارب گذشته‌ی انسان‌ها در دریافت این حس متفاوت است (فلاح، ۱۳۸۵، ۶۲)".

#### ۶-۴- صفا

اغلب شرکت‌کنندگان بعد از اظهار شادی و رضایت از وجود حیات در خانه‌شان از صفا و صمیمیت سخن گفتند و بیش‌تر آن‌ها، صفا و صمیمیت و محبت خانه‌های قدیمی شیراز را در وجود طبیعت و فضای سبز و ارتباط همسایه، افراد فامیل، دوستان و دور هم جمع شدن‌هاشان می‌دانستند.

"قبلا تعداد حیاطا زیاد بوده و حالا همه فقط یک حیاط دارن و تازه بعضی وقتا همونم ندارن. قبلا صفا بود، صمیمیت بود، حالا کو؟ ... بهترین زندگی زندگی قدیم. با همه‌ی سختیایی که داشت، به قرآن، به ابوالفضل. می‌خوام برگردم به همون زندگی، با همه سختیا مهر و محبت داشت، نون شب نداشته باش بخوری محبت داشته باش، دلت خوش باشه ... زندگی امروز از دیروز آسون‌تره اما با وجود همه‌ی سختیا زندگی دیروز بیشتر دوست داشتم. به خاطر صفا و صمیمیت و محبت، محبتی که دیروز بود امروز نیست قدیم آدم مهربون‌تر بودن (۴)". "قلیون چاق می‌کردیم و هرکی هرچی داشت از تخمرغ، کاهوترشی، آش، چای، می‌آوردیم. عصوره دور هم می‌خوردیم، گاهی همسایه‌ها هم میومدن. تابستونا هندونه و خربزه مینداختیم تو حوض و دلتون نکشه (آه بلندی کشید) اون وقتا صمیمیت زیاد بود، الان صمیمیتا و محبتا رفته... (۳)", "خونه ما هوا داره، هوای آزاد داره، الحمدلله خیلی با صفا و خوبه و راضیم به رضای خدا و شکرش می‌کنم (۵)". "همه‌جا پر از گل و درخت و صفا و صمیمیت بود (۱۸)"

#### ۶-۵- شاعرانگی

بسیاری از شرکت‌کنندگان از روحیات شعر و شاعری شیرازی‌ها سخن گفتند و تاکید داشتند که طراحی خاص خانه‌های سنتی شیراز که همواره با طبیعت در ارتباط است

جدول ۴: اصطلاحات به کار رفته در بیانیه‌های شرکت‌کنندگان در رابطه با درگیری حواس پنجگانه‌ی آن‌ها با فضا (ماخذ: نگارندگان)

اصطلاحات به کار رفته در بیانیه‌های مصاحبه‌شوندگان	حواس پنجگانه
منظره زیبا(۳)، منظره خوشگل(۵)، قشنگ بودن(۸)، ظرافت و زیبایی(۱۱)، دید به آب پاک از تو اتاق‌ها(۱۷)، دید به حیاط از تو ارسی(۵)، دید به حیاط از تو پنج‌دری(۱۷)، طبیعتی که آدم از بیرون می‌بیند(۱۰)، دیدن ستاره‌ها(۵) و ...	بینایی
شنیدن صدای پرنده‌ها در وقت سحر، انگار همه خدا رو عبادت می‌کردن(۵)، نبودن سر و صدا (۲)، آرامش در شب و خلوت خوب (۲)، آبادی بودن صدای بچه‌ها(۲) و ...	شنوایی
منظره خنک(۳)، آب حوض تابستونا سرد و زمستونا گرم بود (۳)(۱)، نوازش نسیم (۱۰)، باد(تقریبا همه شرکت‌کننده‌ها) و ...	لامسه
آب‌پاشی روی آجر کف حیاط(۵، ۳)، بوی بهار نارنج(۲، ۵، ۸، ۱۰، ۳، ۱۴، ۱۹)، بوی گل‌های مختلف(۸)، بوی گل، خاک، بارون(۱۰)، بوی چوب(۱) و ...	بوایی
-	چشایی

#### ۶-۶- آزادی

حیاط فضای آزادی است. اتفاقی دل‌باز است که سقف ندارد و به آسودگی می‌توان در آن نفس کشید. هر فعالیتی اعم از کارکردن، بازی‌کردن، خلوت‌کردن، حشر و نشر و گفت و گو در آن توام با آزادی است. بچه‌ها با نظارت غیر مستقیم اهالی خانه هم‌زمان در بیش‌ترین ارتباط با طبیعت می‌توانند در حیاط به کشف و کشف‌پردازند. درس بخوانند، بنویسند، بیاشامند و حتی خطرکردن را بیاموزند. بیاموزند که از بلندی سقوط نکنند، از درخت بالا بروند و در آب حوض غوطه بخورند. بزرگ‌ترها نیز می‌توانند در حیاط معاشرت کنند، استراحت کنند و همه‌ی فعالیت‌های خود را با درخت و آب و گل پیوند بدهند. (حایری مازندرانی، ۱۳۸۴: ۱۲۲)

به این نوع آزادی در بیانات اکثر مصاحبه‌شوندگان اشاره شده است. از نگاه آن‌ها چنین نیست که یک خانه هرچقدر بزرگ‌تر باشد بهتر است و آدمی احساس بهتری در آن دارد، بلکه یک خانه باید "اندازه‌ی انسان" باشد، نه برایش کوچک و نه برایش بزرگ باشد. جای کافی برای فعالیت‌های او را داشته باشد و او را به سختی و مشقت نیندازد. "خونه نه باید زیاد بزرگ باشه نه کوچیک (۱۲)"، "تو آپارتمان هیچکاری نمی‌شه کرد از بس جاش تنگ (۹)"، "ساختمان‌های کوچک امروزی که از بس دلگیر و تنگ است به نظر من انسان انگار در زندان تک‌سلولی به‌سر می‌برد. (۱۰)"

در سخنان شرکت‌کنندگان، از آزادی تحت عبارت‌های دل‌باز و بزرگ بودن، داشتن هوای آزاد، قفس نبودن، داشتن فضاهای زیاد و کافی در جاهای مختلف خانه و وجود تنوع حرکتی یاد شده است. "حیاط خونمون خیلی دل‌باز بود و دوش داشتم. حیاط بزرگ بود. دار و درخت، گل، آب تو

بیشتر حیاطا بود. (۳)"، "خونه ما هوا داره، هوای آزاد داره، الحمدلله خیلی باصفا و خوبه و راضیم به رضای خدا و شکرش می‌کنم ... جا تو خونه قدیمیا زیاد بود و تابستونا همینکه از اتاق بالا میومدیم زیرزمین خودش یه تنوعی بود یا همین که هروقت که می‌خواستیم میومدیم تو حیاط (۵)"، "در صورتیکه خونه‌ی جدیدی که به من میدن حیاط داشته باشه و قفس نباشه حاضرم از این خونه نقل مکان کنم. تو آپارتمان افسرده و غمگین می‌شم، چون حیاط نداره. (۱۱)"

#### ۷- نتیجه‌گیری

در این تحقیق به روش پدیده‌شناسی و با بررسی خاطرات باشندگان، ابعاد عاطفی خانه‌ی شیرازی به‌دست آمد. مکان و پدیده‌ی مورد نظر این تحقیق حیاط به عنوان بخش اصلی خانه‌ی شیرازی است که عناصر کالبدی خاص خود را دارد. ابعاد عاطفی این عناصر آرامش، شادی، صفا، شاعرانگی و آزادی است که رفته‌رفته در حال حذف‌شدن از خانه‌های امروزی است. شرکت‌کنندگان در این تحقیق شیرازی‌های دارای تجربه‌ی زندگی در خانه‌های سنتی شیراز با زمینه‌ی اعتقادی ایرانی-اسلامی هستند. نتیجه‌ای که می‌توان از یافته‌های این تحقیق گرفت، درجه‌ی بالای تاثیر حیاط در رفع نیازهای روحی-عاطفی مردم در خانه است و هم‌خوانی کالبد و عناصر خاص حیاط خانه‌های سنتی شیراز با روح علاقه به سرسبزی و خرم‌دوستی ساکنین، ضرورت حضور چنین مکانی را در خانه‌های امروز شیراز نشان می‌دهد. به دنبال این تحقیق و تحقیقات مشابه می‌توان الگوهای ساختمانی مناسب را برای کالبد خانه‌های امروز به دست آورد، به‌گونه‌ای که در آن‌ها به ابعاد عاطفی مکان و تاثیرات آن بر باشندگان توجه شده باشد.

## پی‌نوشت

۱. رجوع شود به: (۱۳۷۲-۷۴) "بررسی اصول معماری خانه‌های سنتی و کاربرد آن در طراحی مسکن"، وزارت مسکن و شهرسازی
۲. برای نمونه مراجعه شود به: «تخریب خانه‌های تاریخی به جرم میزبانی از معتادان»، ایسنا، یکشنبه ۴ اسفند ۱۳۹۲، بازیابی شده در ۲۵ مرداد ۱۳۹۳.
۳. مهتابی، سکویی است به مساحت ۵-۶ متر که حصیر مینداختن و مینشستن روش (بیانیه‌ی شرکت‌کننده شماره ۳).

## 4. Sense

## 5. Feeling, Emotion &amp; Affect

## فهرست منابع

- پرتوی، پروین (۱۳۸۲)، مکان و بی‌مکانی؛ رویکردی پدیدارشناسانه، مجله علمی - پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۱۴، صص. ۴۰-۵۰.
- حایری مازندرانی، محمدرضا (۱۳۸۸)، خانه، فرهنگ، طبیعت؛ بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به منظور تدوین فرایند و معیارهای طراحی خانه، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
- صدوقی، آرزو (۱۳۹۰)، فهم سرشت ایرانی به روش پدیدارشناسی، نمونه موردی: شوادان و پیش‌بوم در خانه دزفولی، رساله برای دریافت درجه دکتری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
- صدوقی، آرزو؛ معماریان، غلامحسین (۱۳۸۹)، کاربرد روش تحقیق کیفی برای فهم ابعاد عاطفی مکان؛ نمونه موردی: فضای زیرزمینی شوادان، فصلنامه علمی - پژوهشی نامه معماری و شهرسازی، شماره ۵، صص. ۱۱۹-۱۲۴.
- فلاحت، صادق (۱۳۸۵)، مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص. ۵۷-۶۶.
- کشمیرشکن، حمید (۱۳۸۶)، پدیدارشناسی هنر؛ رویکرد یا روش؟، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، شماره ۶، صص. ۱۱۷-۱۳۳.
- لینیچ، کوین (۱۳۸۱)، تئوری شکل خوب شهر، بحرینی، حسین، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- مارکوس، کلر کوپر (۱۳۸۲)، خانه نماد خویشتن، علیقلیان، احد، فصلنامه خیال، شماره ۵، صص. ۸۴-۱۱۹.
- معماریان، غلامحسین (۱۳۷۵)، آشنایی با معماری مسکونی ایرانی؛ گونه‌شناسی درونگرا، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
- معماریان، غلامحسین (۱۳۷۶)، آشنایی با معماری مسکونی ایرانی؛ گونه‌شناسی برونگرا، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
- معماریان، غلامحسین (۱۳۸۱)، نحو فضای معماری، فصلنامه علمی - پژوهشی معماری شهرسازی صفه، شماره ۳۵، صص. ۷۴-۸۴.
- نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۱)، مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی، یاراحمدی، محمود، نشر آگه، تهران.
- Alexander Christopher, (2004), The Nature of Order (Book 1): The Phenomenon of Life, The Center for Environmental Structure, Berkeley, California.
- Cross Jenifer E., (2001), What is Sense of Place? Archives of the 12<sup>th</sup> Headwaters Conference, Western State College, Colorado, November 2-4.
- Groat Linda N, Wang David, (2002), Architectural Research Methods, J. Wiley, New York.
- Norberg-Schulz Christian, (1996), The Phenomenon of Place, Princeton Architectural Press, New York.
- Rapaport Amos, (1990), The Meaning of the Built Environment: A Nonverbal Communication Approach, The University of Arizona Press, Tucson.
- Salvestan D., (2002), The Making of Place, Available from: <http://www.matr.net/article-4108.html>, 17 August 2013.
- Seamon D., (1982), The Phenomenological Contribution to Environmental Psychology, Journal of Environmental Psychology, No. 2, pp. 119-140.
- Steele Fritz, (1981), The Sense of Place, CBI Publishing Company, Boston.
- Xu Yan, (1995), Sense of Place and Identity, Available from: <http://www.eslarp.uiuc.edu/la/LA437-F95/reports/yards/main.html>, 4 May 2013.